



شماره ثبت: ۳۱۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

تولی من قبل الجائر.....	۲
مستثنیات.....	۲
مرور گذشته.....	۲
قاعده تراحم.....	۲
تفاوت تعارض و تراحم.....	۳
ملاک های اهم و مهم.....	۳
نکته: هدف وسیله را توجیه می کند؟.....	۳
اهم و مهم در تراحم بین محرمات و واجبات.....	۴
انواع تراحم.....	۴
جمع بندی.....	۴



تولی من قبل الجائر

مستثنیات

مرور گذشته

اولین استثناء برای مصالح مؤمنین بود. اولین دلیل که شیخ (ره) برای این استثناء آورده‌اند، قاعده تراحم است. دفع ضرر و تأمین نیازهای دیگران، عناوین راجحه است یا وجوب و استحباب دارد و وقتی تولی از قبل جائز با آن‌ها تراحم پیدا کند، آن‌ها مقدم می‌شوند.

همان‌طور که عرض کردیم و جواب مشهور نیز این بوده است، این دلیل اخص از مدعا است. دو حالت در اینجا متصور هستیم.

۱. تولی من قبل جائز با دفع ضرر تراحم پیدا کند (ضرر در موارد مثل نفوس، عرض، ناموس و ...) در اینجا تعارض بین دو حکم الزامی است و دفع ضرر اهم می‌شود.

۲. تولی من قبل جائز با تأمین نیازهای دیگران تراحم پیدا می‌کند. در اینجا حکم الزامی با حکم استجابی تراحم پیدا می‌کند و قطعاً حکم الزامی اهم است. و تولی من قبل جائز اهم است.

این اشکالی است که اغلب به این نظر گرفته‌اند.

در نتیجه استثناء به دو شکل می‌شود. استثنا در زمانی که دفع مفسده اولی است.

بهرتر بود که شیخ، این دو را از هم جدا می‌کردند. استثنای اول را باید دفع ضرر می‌گرفتیم. حال که تفکیک نشده است این دلیل اخص می‌شود.

چون مبحث به اینجا کشیده شد، نیم‌نگاهی به مسئله تراحم می‌پردازیم.

قاعده تراحم

در تراحم چند نکته وجود دارد:



تفاوت تعارض و تراحم

تعارض در مقام دلالت ادله و شکل‌گیری اصل دلالت است. تراحم بعد از اینکه ادله اثبات شدند و احکام روشن شدند، در مقام امثال دو حکم را نمی‌تواند جمع بکند. گاهی تراحم در مصادیق یک حکم است. مثلاً دو نفر در حال غرق شدن هستند و شخص فقط یکی را می‌تواند نجات دهد. گاهی نیز تراحم بین دو حکم است. مثلاً بین نماز خواندن و نجات دادن از غرق.

در باب تراحم، تنگنای مکلف بر این است که قدرت جمع ندارد. در مقال امثال این دو جمع نمی‌شوند. در تعارض هنوز حکم نهایی نشده است.

در باب تراحم دو مبحث است: یکی فقهی است و دو اصولی است. بحث کبروی این است که از منظر کلان و با نگاه اصولی به آن نگاه کنیم. یعنی احکام در مقام امثال، قابل جمع نیستند و قدرت مکلف به جمع دو حکم نیست، در اینجا چه باید کرد؟ چه باید کرد، بحثی است که لازم است در اصول مطرح بشود.

این یک بحث صغروی دارد که کار فقه است. ملاک‌های اهم و مهم در فقه مطرح می‌شود. شایسته است که قواعد و ضوابط اهم و مهم را بیان بکنیم. پیشنهادی که وجود دارد این است که قاعده تراحم کبرویا در اصول مستقل از تعارض، مطرح بشود. همچنین مباحث صغروی تشخیص اهم و مهم، باید به صورت یک قاعده فقهی مورد بررسی قرار بگیرد.

مهم‌ترین قواعد تراحم، تقدم اهم و اختیار در فرض تساوی است. این دو قضیه مهم در قواعد تراحم است.

ملاک‌های اهم و مهم

یکی از ملاک‌های اهم و مهم، تراحم حکم الزامی و غیر الزامی است. اگر حکم الزامی با غیر الزامی تراحم پیدا کرد، قطعاً حکم الزامی بر غیر الزامی مقدم است. چه الزامی وجوبی و تحریمی باشد. الزام یعنی مفسده و مصلحتی است که باید رعایت کرد، اما غیر الزام، مصلحت و مفسده‌ای است که بهتر است رعایت کنیم.

نکته: هدف وسیله را توجیه می‌کند؟

در اینجا نیز قاعده تراحم اجرا می‌شود. در اینجا حکم عقل و شرع قائل به اطلاق نیست. هدف وسیله را گاهی توجیه می‌کند (زمانی که اهم باشد) و جایی توجیه نمی‌کند (زمانی که اهم نباشد). مثلاً می‌خواهد دفاع بکند ولی برای دفاع باید شهری را



شماره ثبت: ۳۱۸۶

بمباران بکند. هدف پیروزی در جنگ است ولی وسیله این است که شهر را نابود کند. بحث تراحم در مباحث مهم اخلاقی وجود دارد. گاهی انسان مخیر بین شرین است.

اهم و مهم در تراحم بین محرمات و واجبات

گاهی دو امر واجب و حرام باهم تراحم کرده‌اند، گاهی گفته‌اند که حکم تحریمی بر وجوب مقدم است که این امر کلیت ندارد. گاهی حکم الزامی بر حکم تحریمی مقدم می‌شود. برای اهم و مهم بین واجبات و محرمات، درجه‌بندی این‌ها است. یعنی همان‌طور که گفتیم روابط طولی و هم‌ارزی را به دست بیاوریم. در تراحم بین محرمات یا تراحم بین واجبات، باید رتبه‌ها تشخیص داده شود.

انواع تراحم

۱. تراحم بین دو امر واجب

۲. تراحم بین دو امر حرام

۳. تراحم بین واجب و حرام

در سه مورد باید سلسله‌مراتب را معین کرد. در فقه ما کبائر و صغائر محرمات مشخص شده است که این یک ترازو و میزانی است. در واجبات، و مقایسه بین واجبات و محرمات کار نشده است.

جمع‌بندی

دلیل اول شیخ (ره) مورد اشکال قرار گرفته است. یک بخش از این نظریه درست است. آنجایی که تراحم بین تولی من قبل جائز و دفع مفسده و ضرر در اعراض و نفوس بشود، درست است. در جایی که تولی من قبل جائز در مستحبات تراحم پیدا کند، صحیح نیست. مستحبات بر احکام الزامی مقدم نمی‌شود. البته گاهی مستحباتی با عناوین ثانویه، واجب می‌شود. مثلاً ترک یک مستحب در جامعه اسلامی، احتمال حرام دارد. مثلاً زیارت مستحب است، اما حرم امام رضا (ع) بسته بشود، در این صورت آن زیارت وجوب پیدا کند. البته این خروج از بحث است. تا زمانی که یک عمل مستحب است، نمی‌تواند مقدم بر احکام الزامی بشود.